



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر تاب‌آوری صندوق‌های بازنشستگی و دستیابی به حقوق اجتماعی از نظر فقه

حسن نجفی^۱، مرجان دامن کشیده^{۲*}، تیمور محمدی^۳

۱. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. دانشیار، گروه اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: متغیرهای کلان اقتصادی از جمله بیکاری، تورم، بدهی دولت نقش مهمی در تاب‌آوری و یا عدم تاب‌آوری صندوق‌های بازنشستگی و دستیابی به حقوق اجتماعی دارند که در فقه اقتصادی نیز مورد توجه هستند. در همین راستا مقاله حاضر به بررسی تأثیر شوک متغیرهای کلان اقتصادی بر تاب‌آوری صندوق‌های بازنشستگی و دستیابی به حقوق اجتماعی از نظر فقه و با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری ساختاری SVAR برای سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۹۶ می‌پردازد.

مواد و روش‌ها: تحقیق حاضر در زمره تحقیقات کمی است و به همین دلیل از روش‌ها و مدل‌های آماری استفاده شده است. به طور مشخص، مدل خودرگرسیون برداری ساختاری SVAR در خصوص سازوکار اثرگذاری تکانه‌های بدهی دولت، بیکاری و تورم بر تاب‌آوری صندوق‌های بازنشستگی و دستیابی به حقوق اجتماعی از نظر فقهی مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها: شوک بدهی دولت با حدود ۴۱ درصد بیشترین سهم نوسانات و تغییرات مخارج را بر عهده دارد و تاب‌آوری صندوق‌های بازنشستگی و دستیابی به حقوق اجتماعی را با چالش جدی مواجه کرده است. رتبه دوم را شوک تورم با سهمی در حدود ۳ درصد بر عهده دارد. شوک بیکاری نیز با حدود ۲ درصد کمترین سهم را در تغییرات واریانس مخارج کل داشته است. از این جهت، تهدیدات بدهی دولت، شوک تورمی و بیکاری نقش مهمی در کاهش خدمات تأمین اجتماعی و در نتیجه آسیب رسیدن به حقوق اجتماعی از منظر فقه دارند.

ملاحظات اخلاقی: انجام پژوهش حاضر با رعایت و ملاحظه اصول اخلاقی بوده است. نتایج تحقیق اصیل بوده و در مواردی نظیر ارجاع‌دهی، مراجعه به اسناد و مقالات، اصل امانتداری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج و ساختار اقتصاد ایران، وابستگی درآمد دولت به نفت و تحریم‌ها و ساختار دولتی مشکلات اصلی اقتصاد ایران را شامل می‌شوند که نوسانات درآمدهای نفتی، حجم بالایی از تصمیم‌گیری‌های اقتصاد و تحریم‌ها، دولت را مجبور به اتخاذ سیاست‌های مصلحت‌گرایانه پولی می‌نماید، بنابراین اقتصاد ایران نیازمند بازنگری اساسی در روش‌های و ساختارهای سیاست‌گذاری دولت در اقتصاد کلان، به ویژه در ساختار و سیاست‌گذاری‌های پولی (مانند دادن پیام‌های مثبت ضدتورمی با اقدامات عملی به منظور کاهش انتظارات تورمی) می‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۷-۹۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

متغیرهای اقتصادی، تاب‌آوری، صندوق بازنشستگی، فقه، حقوق اجتماعی

نویسنده مسوول:

مرجان دامن کشیده

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده اقتصاد و حسابداری، گروه اقتصاد.

تلفن:

۰۹۱۲۷۶۴۵۰۲۱

کد ارکید:

0000-0003-4645-7308

پست الکترونیک:

m.damankeshideh@yahoo.com

۱. مقدمه

سازمان تأمین اجتماعی به عنوان یکی از صندوق‌های بازنشستگی، مبتنی بر بیمه‌های اجتماعی طراحی شده است. تأکید بر ماهیت بیمه اجتماعی بدین مفهوم است که بر اساس اصول حاکم بر این راهبرد مصارف سازمان باید از محل منابع تعریف شده در قانون تأمین گردد. به همین لحاظ ضرورت دارد سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها به گونه‌ای باشد که همواره تعادل مالی در ساختار مربوطه حفظ گردد (اخوان بهبهانی و مسعودی اصل، ۱۳۹۶). در غیر این صورت نیازمند مداخله دولت در تأمین هزینه‌ها می‌باشد. در بیشتر کشورهای جهان صندوق‌های بازنشستگی از مهم‌ترین واسطه‌های مالی محسوب شده و به دلیل ویژگی خاص منابعشان که مهمترین آن افق بلندمدت جمع‌آوری منابع و البته تعهدات مربوطه در قالب پرداخت مستمری است تفاوت‌هایی با سایر واسطه‌ها دارند، همین امر سبب شده است که منابع عظیم این صندوق‌ها در بیشتر حوزه‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌ها گسترده می‌باشد. علاوه بر این، کسانی که از این صندوق، مزایای بازنشستگی دریافت می‌کنند، از حقوق و مزایای اجتماعی بهره‌مند می‌شوند که اغلب کسانی هستند که دوران خدمت کاری آنها به پایان رسیده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از آموزه‌های فقهی است، بر اهمیت بازنشستگی تأکید شده است: بر اساس اصل ۲۹ قانون اساسی: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی،

بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند».

بدین ترتیب، تأمین اجتماعی و از جمله تاب‌آوری صندوق‌های بازنشستگی یکی از راه‌های دستیابی به حقوق اجتماعی برخی از افراد جامعه است و از این نظر حقی است همگانی؛ بدین معنا که همه افراد جامعه، با برخورداری از مساعدت‌های مقرر اجتماعی، با اطمینان خاطر و اعتماد به نفس، آن گونه که لازمه حیثیت و منزلت انسانی و ارتقاء شخصیت آنها می‌باشد، به زندگی خود ادامه دهند. با این حال عوامل مؤثری وجود دارند که بر تاب‌آوری صندوق‌های بازنشستگی و دستیابی به حقوق اجتماعی افراد در سنین بازنشسته تأثیر می‌گذارند. از جمله می‌توان به میزان بدهی دولت، تورم و فشار ناشی از آن، بیکاری و... اشاره نمود. از سویی دیگر بدون تأمین اجتماعی نیروی کار با عدم اطمینان نسبت به آینده مواجه می‌شود و رونق و رکود در بازار کار از طریق تغییر منابع درآمدی و هزینه‌های سازمان تأمین اجتماعی، عملکرد صندوق‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (علیپور، ۱۳۹۶). همچنین بدهی‌های دولت بسته به اندازه و نوع آن، پیامدهای متفاوتی در صندوق‌های بازنشستگی دارد. بزرگترین اثر بدهی دولت بر صندوق‌های بازنشستگی، کوچک‌تر شدن

۴. یافته‌ها

شوک بدهی دولت با حدود ۴۱ درصد بیشترین سهم نوسانات و تغییرات مخارج را بر عهده دارد و تاب‌آوری صندوق‌های بازنشستگی و دستیابی به حقوق اجتماعی را با چالش جدی مواجه کرده است. رتبه دوم را شوک تورم با سهمی در حدود ۳ درصد برعهده دارد. شوک بیکاری نیز با حدود ۲ درصد کمترین سهم را در تغییرات واریانس مخارج کل داشته است. از این جهت، تهدیدات بدهی دولت، شوک تورمی و بیکاری نقش مهمی در کاهش خدمات تأمین اجتماعی و در نتیجه آسیب رسیدن به حقوق اجتماعی از منظر فقه دارند.

۵. بحث

۵-۱. پیشینه تحقیق

در ارتباط با تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی و ارتباط آن با موضوعات و مسائل اجتماعی، تحقیقاتی انجام شده است که به برخی از مهم‌ترین آنها پرداخته می‌شود:

کرو پکس و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در مقاله بررسی اثرات سالمندی و اصلاحات بازنشستگی در یک مدل تعادل عمومی نسل‌های همپوش با بازار نیروی کار ناقص و تصمیمات درون‌زای بازنشستگی پیش از موعد پرداختند. نویسندگان نتیجه گرفتند که صندوق‌های ذخیره بازنشستگی می‌توانند باعث کاهش نرخ بهره و بیکاری شوند. تحقیق مزبور به ارتباط ذخیره بازنشستگی و اصلاح بازار پرداخته است. ژمن باسا و همکارش^۲ (۲۰۱۸) با مسأله

سهم صندوق‌ها در سرمایه‌گذاری‌ها می‌باشد (برون‌رانی سرمایه‌گذاری صندوق‌ها). یکی از کارکردهای صندوق‌های بازنشستگی ایجاد امنیت اجتماعی می‌باشد. با تضعیف و عدم ارتقاء صندوق‌های بازنشستگی مخارج کل دولت افزایش می‌یابد. وجود این متغیر در الگو با توجه به نقش تعیین‌کننده دولت در مخارج کل سازمان تأمین اجتماعی دارای اهمیت است. در مطالعه حاضر به بررسی تأثیر شوک متغیرهای کلان اقتصادی بر تاب‌آوری صندوق‌های بازنشستگی و دستیابی به حقوق اجتماعی از منظر فقه و با روش خودرگرسیون برداری ساختار SVAR پرداخته می‌شود.

۲. ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی در خصوص نگارش مقاله و امانت‌داری در ارجاعات رعایت گردید.

۳. مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر در زمره تحقیقات کمی است و به همین دلیل از روش‌ها و مدل‌های آماری استفاده شده است. به طور مشخص، مدل خودرگرسیون برداری ساختاری SVAR در خصوص سازوکار اثرگذاری تکانه‌های بدهی دولت، بیکاری و تورم بر تاب‌آوری صندوق‌های بازنشستگی و دستیابی به حقوق اجتماعی از نظر فقهی مورد استفاده قرار گرفت.

² Jeman Basa et al

¹ Crow Pax et al

همپوشانی نسل‌ها به اصلاحات بازنشستگی در جهت مبارزه با مشکل سالمندی جمعیت در جنوب اروپا پرداخته و چنین نتیجه گرفتند که افزایش سن بازنشستگی پیامد بلندمدت چندانی ندارد. ویژگی اصلی و مهم این تحقیق این است که اصلاحات بازنشستگی مختلف را با هم مقایسه می‌کند و بهترین شیوه اصلاحات را پیشنهاد می‌کند. هی، نینگ و زو^۱ (۲۰۱۶) به بررسی آثار سالمند شدن سریع و اصلاحات نظام بازنشستگی بر پس‌انداز و عرضه نیروی کار در نمونه موردی چین پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نینگ و زو نشان داد که سالمند شدن سریع و اصلاحات نظام بازنشستگی نقش مهمی در افزایش ۱۵ درصدی نرخ پس‌انداز خانوارها در فاصله سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۹ داشته است. همچنین سالمند شدن و اصلاحات بازنشستگی موجب افزایش ۱۴ درصدی در عرضه نیروی کار شده است.

انارکی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر صندوق‌های بازنشستگی و راهکار مدیریت صحیح دارایی‌ها پرداختند. نویسندگان نتیجه گرفتند که رشد سود عملیاتی صندوق بازنشستگی کشوری به عنوان شاخصی برای سنجش وضعیت صندوق تحت تأثیر سه عامل تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی)، رشد مشارکت اقتصادی و افزایش تعداد شرکت‌های سرمایه‌گذار است.

جعفری و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به بررسی آثار کلان اقتصادی اصلاحات ساختاری در نظام بازنشستگی ایران پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد که با اصلاحات صورت گرفته، مصرف نسل‌ها افزایش یافته و پس‌اندازهای آن در حوزه انباشت سرمایه در اقتصاد کاهش یافته است. از این جهت ارتباط معناداری میان اصلاحات نظام بازنشستگی و پس‌انداز در ایران وجود دارد. این امر در نهایت باعث کاهش تولید در سطح کل اقتصاد می‌شود.

ایزدبخش و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی مدیریت دارایی و بدهی در صندوق‌های بازنشستگی با رویکرد سیستمی در محیط فازی پرداختند. نویسندگان به عوامل مؤثر بر مدیریت دارایی و بدهی در صندوق‌های بازنشستگی شناسایی و توسط پویایی‌شناسی سیستم‌ها توجه نشان دادند. نتایج حاکی از آن است که کلیدهای موقعیت مدیریت دارایی و بدهی، نگاه یکپارچه به دارایی‌ها و بدهی‌ها و منافع ذی‌نفعان طرح و توجه به ریسک‌های جمعیتی و به طور خاص ریسک‌گرایی است.

با توجه به اینکه در مطالعات انجام شده پیشین، مسئله تحقیق حاضر بشکل مستقیم مورد بررسی قرار نگرفته است، مطالعه حاضر در راستای این مطالعات و بشکل تکمیلی، به بررسی تأثیر شوک متغیرهای کلان اقتصادی بر تاب‌آوری صندوق‌های بازنشستگی و حقوق اجتماعی از نظر فقه

^۱ Hey, Ning and Zhu

ممانعت از تغییر نگرش بیمه‌شدگان و کارفرمایان از بیمه اجباری به بیمه توافقی شوند.

با توجه به حقایق موجود و آشکار شده صندوق‌های بازنشستگی در ارتباط با تورم، اثرگذاری تورم بر صندوق‌های بازنشستگی که مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از:

- اثرگذاری تورم بر بازار کار با محوریت تعیین دستمزد نیروی کار (وابستگی بین قیمت و دستمزد)

- اثرگذاری تورم بر بودجه و نقدینگی (شرایط مالی)

- اثرگذاری تورم بر نرخ بازده سرمایه‌گذاری‌ها
- اثرگذاری تورم بر توزیع مجدد درآمد
- اثرگذاری تورم بر حوزه سلامت و درمان
- اثرگذاری تورم بر تناسب‌سازی مستمری‌ها (نمودار ۱).

۵-۲-۲. بیکاری و تأمین اجتماعی

اشتغال و تأمین اجتماعی ارتباط تنگاتنگی دارند. بدون شکل‌گیری فرصت‌های شغلی جدید، صندوق‌های تأمین اجتماعی ناپایدار می‌شوند و توان حمایت از اعضای خود را از دست می‌دهند، از سویی دیگر، بدون تأمین اجتماعی نیروی کار با عدم اطمینان نسبت به آینده مواجه است و نسبت به بنگاهی که در آن مشغول به کار است، احساس خصومت خواهد داشت. اهمیت شغل و اشتغال در قانون اساسی در اصل ۲۸ که برگرفته از فقه است، مورد توجه قرار گرفته است (هاشمی، ۱۳۸۴، ۵۴۶). در هر صورت، در غیاب تأمین اجتماعی

می‌پردازد. در این تحقیق با بکارگیری مدل خودرگرسیون برداری ساختاری SVAR به مسأله مزبور پرداخته شده است. به طور مشخص وجه تمایز تحقیق حاضر نیز بررسی تکانه‌های تورم، بیکاری، بدهی‌های دولت بر تاب‌آوری صندوق‌های بازنشستگی و حقوق اجتماعی از نظر فقه است که با طراحی مدل خودرگرسیون برداری ساختاری SVAR برای اقتصاد ایران و دوره زمانی ۹۶-۱۳۵۰ به تجزیه و تحلیل نتایج خواهیم پرداخت.

۵-۲. رابطه متغیرهای کلان اقتصادی بر

تاب‌آوری صندوق‌های بازنشستگی

۵-۲-۱. اثرگذاری تورم بر چرخه صندوق‌های بازنشستگی

تورم یکی از مهمترین متغیرهای اقتصادی حاضر کشور است. شروع تأثیرات آن سریع و دامنه آن چنان وسیع و گسترده است که هیچ یک از قسمت‌های صندوق‌ها از آثار و نتایج آن بر کنار نمانده‌اند. متغیر نرخ تورم با متغیرهای اقتصاد کلان نظیر رشد نقدینگی، رشد نرخ ارز، رشد بودجه دولت و نرخ تورم وارداتی رابطه مثبت در حالی که با رشد اقتصادی رابطه منفی دارد.

مدیریت صندوق‌های بازنشستگی همواره مسیر اثرگذاری تورم را مدنظر دارند تا بتوانند باعث کاهش اثرات آن بر وضعیت و شرایط صندوق‌ها و بهبود آن شوند. به عنوان مثال، ممانعت از انتقال دارایی از افراد درآمد اسمی ثابت به افراد دارای سرمایه فیزیکی و در جمعیت تحت پوشش نیز

۱۳۹۵). بنابراین در بررسی حق کار می‌بایست آن را به عنوان یک حق مسلم اجتماعی تلقی نمود. بیکاری باعث عدم دسترسی یا دسترسی محدود به فرصت‌ها و منابع کسب درآمد می‌گردد که نتایج آن ایجاد فقر و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی است. همچنین بیکاری می‌تواند زمینه‌ساز بروز جنایات به انحرافات، تنش‌ها و بی‌نظمی‌های اجتماعی و خشونت شود. به همین دلیل در فقه بر مسأله کار تأکید می‌شود و چنین بیان شده است که همه ملزمند که کار کنند و نتیجه کار آنان نیز به جامعه متعلق است (مطهری، ۱۳۷۰، ۱۰۵). به علاوه اینکه، کار منشأ دستیابی به بسیاری از مزایا و حقوق اجتماعی افراد است (نمودار ۲).

۵-۲-۳-۱. اثر بدهی دولت بر صندوق‌های

بازنشستگی

دولت‌ها بر تأمین مالی از طریق منابع داخلی در مقایسه با چاپ پول یا استقراض از خارج ترجیح دارند، دارایی بزرگ صندوق‌های بازنشستگی این طمع را در دولت‌ها برمی‌انگیزاند تا از این دارایی‌ها برای رسیدن به اهداف دیگری مانند رفع کسری بودجه، تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی یا به منظور توسعه بازارهای مالی استفاده کند. همچنین مسائلی نظیر رکود، تورم و کسری بودجه از جمله مسائل مهم در تعیین میزان بدهی دولت است (گرچی، ۱۳۹۱، ۸۷).

تأمین اجتماعی یکی از بزرگترین طلبکار از مجموعه بدهی دولت می‌باشد و بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی مجموعاً یک چهارم از کل

بیکاری و فقر و بی‌ثباتی در بازار کار رواج پیدا خواهد کرد. که باعث تشدید نابرابری و انباشت نارضایتی اجتماعی خواهد انجامید. به علاوه صندوق‌های بازنشستگی ابزار مهم تأمین مالی سرمایه‌گذاری هستند و با کمک به افزایش ظرفیت‌های تولیدی به نوبه خود به ایجاد شغل‌های جدید یاری می‌رسانند. بنابراین مسأله بیکاری و اثر آن بر صندوق‌های بازنشستگی یک دغدغه اساسی است. بالا بودن نرخ بیکاری و پائین بودن نرخ مشارکت در کار، پائین بودن سهم هزینه تأمین اجتماعی در تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور می‌باشد (ابدی، ۱۳۸۶، ۴۵). بنابراین وضعیت بازار کار بر نظام تأمین اجتماعی اثر می‌گذارد. بدین ترتیب رونق و رکود در بازار کار از طریق تغییر منابع درآمدی و هزینه‌های سازمان تأمین اجتماعی، عملکرد این سازمان را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۵-۲-۳. بیکاری و طرد اجتماعی

بدون شک، بیکاری از زمره مهمترین معضلات جامعه بشری است که از جایگاه ویژه‌ای در بین سایر مسائل اجتماعی برخوردار است. چرا که با وجود پیشرفت اجتماعی در زندگی بشری، میزان بیکاری نه تنها کاسته نشده بلکه در حال افزایش است. به همین دلیل حقوق اجتماعی عمدتاً درباره‌ی حقوق و آزادی‌های مربوط به کار و کارگران و حق تأمین اجتماعی می‌باشد؛ ولی آن را به حق بر سلامت، حق داشتن مسکن و حق تشکیل خانواده و زندگی با آن نیز تعمیم می‌دهند (عباسی،

بدهی‌های دولت را شامل می‌باشد (بانک‌ها، بزرگترین طلبکار دولت). در شرایطی که دولت با محدودیت شدید منابع مواجه است. به دلیل تصویب قوانین حمایتی و معافیت‌های بیمه‌ای، بدهی‌های معوقه دولت به صندوق‌های بازنشستگی به طور تصاعدی در حال افزایش است و پیش‌بینی می‌شود که طی پنج سال آینده به سطح «غیرقابل وصول» خواهد رسید، مگر آن که در اولین فرصت، قوانین تعهدآور اصلاح شوند و جلوی رشد این بدهی‌ها گرفته شود. بزرگترین اثر بدهی دولت به صندوق‌های بازنشستگی، کوچک‌تر شدن سهم صندوق‌ها در سرمایه‌گذاری‌ها می‌باشد (نمودار ۳).

بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی طی دوره زمانی ۱۳۷۱-۱۳۵۰، علی‌رغم تحولات اقتصادی و سیاسی متنوع همچون اولین شوک نفتی، انقلاب، جنگ و... با یک روند کاملاً قابل پیش‌بینی افزایش یافته است. طی دوره زمانی ۱۳۸۳-۱۳۷۲ رفتار بدهی‌های مذکور با شیب ملایمی افزایش یافته است که در سال ۱۳۷۲ اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی شروع شد که در آن دوران پایبندی به اصول و قوانین رعایت می‌شد و بدهی دولت بر اساس قانون بیمه‌ای بوده است و طرح تأمین اجتماعی جامع در اواخر دولت سازندگی پیش‌بینی شد که در دولت اصلاحات به علت عدم تأمین مالی آن پیگیری نشد. بدهی دولت در سال ۱۳۸۰ که معادل ۴۰۰ میلیارد تومان بود به دلیل آغاز سیاست‌های اشتباه در سال‌های بعد افزایش یافته است. دولت طی دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۴ بطور مداوم از سازمان تأمین اجتماعی برای پوشش

تعهدات دولت استفاده شد. افزایش تعهدات از ۲ مورد به ۲۱؛ سوءمدیریت در سازمان تأمین اجتماعی به عنوان مثال عدم جذب مدیران در چارچوب اصول حرفه‌ای با تحصیلات مرتبط، تعدد مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی با تحصیلات مهندسی. عوامل اصلی افزایش این بدهی‌ها طی دوره یاد شده عبارتند از: افزایش بدهی‌های معوقه دولت به صندوق تأمین اجتماعی، تداوم تصویب قوانینی که بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی را افزایش می‌دهد. عدم کفایت اعتبارات پیش‌بینی شده در بودجه‌های سنواتی برای کاهش تدریجی این بدهی‌ها، عدم پرداخت بدهی دولت به صورت نقدی و به مقدار موثر سالانه.

گزارش‌ها نشان می‌دهد که مبلغ بدهی‌های دولت به این سازمان از حدود ۶۰ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۴، به بیش از ۶۰۰ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۲ رسیده است. از این تعهدات حدود ۳۰ درصد مربوط به معافیت حق بیمه‌شدگان حمایتی و ۱۸ درصد مربوط به تعهدات دولت ناشی از بازنشستگی‌های پیش‌موعده است. در حالی که هر دو نوع این تعهدات قانونی بدون توجه به محاسبات بیمه‌ای و الزامات علمی بیمه‌های اجتماعی به تصویب رسیده است. پانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ دولت یازدهم در این تاریخ طرح تحول نظام سلامت با مصوبه دولت یازدهم کلید خورد. نقشه تحول نظام سلامت در دولت دهم تصویب شد ولی اجرائی نشد. به دلیل اجرای «طرح تحول سلامت» با محوریت درمان، هزینه‌های درمان سیر صعودی به خود گرفت و تعهدات دولت از این بخش افزایش

که در رابطه بالا ε_t و U_t به ترتیب بردارهای جملات اختلال فرم خلاصه شده ε_t و جملات اختلال ساختاری U_t هستند. که هم ε_t و U_t به ترتیب بردارهایی با ابعاد $(K \times 1)$ هستند و A و B ماتریس‌هایی با ابعاد $(K \times K)$ می‌باشند. بر طبق مطالعات بلانچارد (۱۹۸۹)، جیانینی (۱۹۹۲) و سیمز (۱۹۸۶) همبستگی همزمان بین متغیرها به وسیله دو ماتریس مربع وارون‌پذیر A و B قابل بیان است. با توجه به توضیحات قبل و متغیرهای تعریف شده، مدل خودرگرسیون برداری ساختاری SVAR در خصوص سازوکار اثرگذاری تکانه‌های بدهی دولت، بیکاری و تورم بر تاب‌آوری صندوق‌های بازنشستگی و حقوق اجتماعی از نظر فقه به شرح زیر است؛ ترتیب معادلات ساختاری در ماتریس زیر بر اساس شرایط اقتصادی ایران طراحی شده است:

$$\begin{bmatrix} \varepsilon_{GD} \\ \varepsilon_{UN} \\ \varepsilon_{INF} \\ \varepsilon_{TSE} \end{bmatrix} = A(L) \times \begin{bmatrix} U_{GD} \\ U_{UN} \\ U_{INF} \\ U_{TSE} \end{bmatrix}$$

یا در فرم گسترده داریم:

$$\begin{bmatrix} \varepsilon_{GD} \\ \varepsilon_{UN} \\ \varepsilon_{INF} \\ \varepsilon_{TSE} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} a_{11}(l) & 0 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ a_{21}(l) & a_{22}(l) & 0 & 0 & 0 & 0 \\ a_{31}(l) & a_{32}(l) & a_{33}(l) & 0 & 0 & 0 \\ a_{41}(l) & a_{42}(l) & a_{43}(l) & a_{44}(l) & 0 & 0 \end{bmatrix} \times \begin{bmatrix} U_{GD} \\ U_{UN} \\ U_{INF} \\ U_{TSE} \end{bmatrix}$$

که سمت چپ معادله فوق در واقع تفاضل مرتبه‌ی لگاریتم متغیرهای وابسته را نشان می‌دهد. در سمت راست معادله، ماتریس $A(L)$ یک ماتریس مربعی حاوی چند جمله‌ای‌هایی بر حسب عملگر وقفه است. به طور مثال، درایه سطر i ام و ستون j

یافت و بدهی دولت نیز رشد فزاینده به خود گرفت. در سال ۱۳۹۳ بدهی انباشت دولت در حدود ۹۰ هزار میلیارد ریال و در سال ۱۳۹۴ این بدهی به میزان ۹۵ هزار میلیارد ریال و در سال ۱۳۹۵ به میزان ۱۴۵ هزار میلیارد ریال و بالاخره در سال ۱۳۹۶ به رقم نجومی ۱۸۱ هزار میلیارد ریال رسیده است. البته بخش بزرگی از انباشت بدهی‌ها به دلیل سود و ارزش حقیقی آن است که به دلیل قدرت بالای بهره مرکب موجب بزرگ بودن این مقدار بدهی می‌شود. اگر مقدار انباشته بدهی‌ها را بدون احتساب سود محاسبه کنیم مقدار کمی خواهد شد.

۵-۳. روش‌شناسی تحقیق

الگوی SVAR بر خلاف الگوی VAR غیرمقید که در آنها شناسایی تکانه‌های ساختاری به طور ضمنی و سلیقه‌ای صورت می‌گیرد، به طور دقیق و مشخص داری یک منطق اقتصادی است که تئوری‌های اقتصادی برای اعمال قیود و محدودیت‌ها را مطرح می‌کند. یعنی ثبات مدل به پایداری و یا عدم پایداری تأثیر یک تکانه به اختلال بستگی دارد. به عبارت دیگر در این روش، اگر تأثیر تکانه باعث اختلال در طول زمان شود، مدل باثبات است و اگر تأثیر تکانه پایدار و ماندگار باشد، مدل داری ثبات نیست. بدین ترتیب رابطه‌ی اصلی برقرار شده بین فرم خلاصه شده و فرم ساختاری در یک مدل SVAR به صورت رابطه‌ی زیر است:

$$A\varepsilon_t = BU_t$$

طول وقفه بهینه است. در این آزمون برای تعیین طول وقفه از معیار شوراتز-بیزین^۲ (SC)، آکائیک^۳ (AIC) خطای نهایی پیش‌بینی^۴ (FPE) و حنان کوئین^۵ (HQ) و نسبت را ستمنمایی^۶ (LR) استفاده شده است. نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد بر اساس معیار حداکثر راستنمایی وقفه بهینه یک به عنوان وقفه بهینه مدل انتخاب می‌گردد (جدول ۳).

۵-۴-۳. آزمون ریشه واحد دایره

از آنجا که بر اساس آزمون ADF، متغیرهای تحقیق در سطح ناپایا هستند و در قسمت دو نیز معیار حداکثر راستنمایی نشان داد که وقفه‌ی یک برای مدل تحقیق بهینه است، بنابراین در این قسمت مدل تحقیق به صورت تصحیح خطای برداری با یک وقفه برآورد شد. برای اطمینان از کاذب و مجازی نبودن رگرسیون اقدام به آزمون ریشه واحد کل مدل رگرسیونی نیز شد. در صورت عدم ثبات الگوی SVAR نتایج به دست آمده قابل اطمینان نیستند، به منظور بررسی پایداری مدل تخمین زده شده از نمودار AR استفاده می‌کنیم. این نمودار معکوس ریشه‌های مشخصه یک فرایند AR را نشان می‌دهد. اگر قدرمطلق تمام این ریشه‌ها کوچکتر از واحد باشند و داخل دایره واحد قرار گیرند مدل SVAR تخمین زده شده پایدار است. نمودار AR مدل در شکل نشان می‌دهد که معکوس همه ریشه‌های مشخصه، داخل دایره واحد

ام ماتریس $A(L)$ ، $a_{ij}(L)$ است که پاسخ i ام متغیر به j ام متغیر ساختاری را نشان می‌دهد. بردار $E=[U_{ij}]$ شامل جملات اخلاص ساختاری است. که به صورت زیر تعریف می‌شوند:

U_{GD} : تکانه‌های مربوط به بدهی دولت است.

U_{UN} : تکانه‌های مربوط به بیکاری است.

U_{INF} : تکانه‌های مربوط به تورم است.

U_{TSE} : تکانه‌های مربوط به مخارج کل سازمان تأمین اجتماعی است.^۱

۵-۴-۴. نتایج و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۵-۴-۱. آزمون پایایی متغیرها

جدول ۱، بیانگر نتایج آزمون پایایی متغیرها در سطح آنها با استفاده از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) می‌باشد (جدول ۱). همان‌طور که مشاهده می‌شود؛ متغیرهای لگاریتم بدهی دولت، تورم و مخارج کل سازمان تأمین اجتماعی در سطح خطای پنج درصد پایا هستند. اما متغیر نرخ بیکاری ناپایا می‌باشد. بنابراین در ادامه از تفاضل مرتبه یک مربوط به متغیر لگاریتم بیکاری آزمون ریشه واحد گرفته شده که نتایج مربوط به پایایی آن در جدول ۲ مشاهده می‌شود (جدول ۲).

۵-۴-۲. برآورد مدل SVAR

بعد از تشخیص ایستایی متغیرهای مدل، اولین مسئله در مدل‌های خودرگرسیون برداری تعیین

^۱ Final Prediction Error

^۲ Hannan-Quinn information criterion

^۳ Likelihood Ratio

^۱ تمام متغیرهای مطالعه به شکل لگاریتمی می‌باشند.

^۲ Schwarz information criterion

^۳ Akaike information criterion

بر مخارج سازمان تأمین اجتماعی معنی‌دار و مطابق با شرایط اقتصاد ایران می‌باشد. اصلی‌ترین متغیرهایی که در نتایج مدل SVAR لازم و قابل تحلیل می‌باشد؛ تکانه‌های وارده از ناحیه بدهی دولت و تکانه‌های بیکاری، تکانه‌های وارده از بخش نرخ تورم بر مخارج سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد. به نحوی که یک تکانه وارده از ناحیه بیکاری، به اندازه ۶۵ درصد باعث افزایش مخارج سازمان تأمین اجتماعی می‌شود، همچنین یک تکانه وارده از ناحیه نرخ تورم باعث افزایش ۲,۲۷ درصد مخارج سازمان تأمین اجتماعی می‌شود.

۵-۴-۱. توابع عکس‌العمل آنی

برای اینکه بتوانیم نتایج رابطه تعادلی بلندمدت برای مدل خودرگرسیون برداری ساختاری SVAR را به خوبی تحلیل کنیم، نیازمند بررسی توابع عکس‌العمل آنی و تجزیه واریانس برای مدل می‌باشیم. به عبارتی الگوی SVAR دو ابزار قوی برای تجزیه و تحلیل نوسانات اقتصادی ارائه می‌دهد: توابع عکس‌العمل آنی (IRF) و تجزیه واریانس. بنابراین بعد از برآورد الگوی SVAR، می‌توان به بررسی نتایج توابع عکس‌العمل آنی و تجزیه واریانس پرداخت. یک تابع عکس‌العمل آنی، در حقیقت اثرات یک انحراف معیار شوک وارده به متغیرهای درون‌زا در الگو را بیان می‌کند. برای الگوی مورد استفاده در این تحقیق، عکس‌العمل متغیر شکاف تولید نسبت به یک تکانه یا تغییر ناگهانی به اندازه یک انحراف معیار در هر یک از

قرار می‌گیرند و مدل SVAR تخمینی این مدل‌ها، شرط پایداری را تأمین می‌کند (نمودار ۴).

۵-۴-۴. بررسی بردار همگرایی

نتایج حاصل از آزمون پایایی متغیرها، حاکی از آن است که سه متغیر در سطح و یک متغیر با یک مرتبه‌ی تفاضل‌گیری پایا شده‌اند. لذا برای تعیین بردارهای همگرایی یا روابط بلندمدت از روش هم‌انباشتگی جوهانسون^۱ - جوسیلیوس استفاده می‌شود (جدول ۴).

نتایج خلاصه شده نرم‌افزار که در جدول ۴ آورده شده است. با توجه به آماره حداکثر مقدار ویژه وجود یک بردار هم‌انباشته می‌باشد ($\Gamma = 1$).

۵-۴-۵. نتایج تخمین مدل

نتایج مدل SVAR به منظور بررسی تأثیر متغیرهای توضیحی بر روی مخارج سازمان تأمین اجتماعی در جدول ۵ گزارش شده است. این جدول نشان‌دهنده سیستم معادلات شوک‌های ساختاری و شوک‌های فرم خلاصه شده می‌باشد. در جدول (۵): $e1@$ تکانه‌های مربوط به بدهی دولت، $e2@$ تکانه‌های مربوط به بیکاری، $e3@$ تکانه‌های مربوط به نرخ تورم، $e4@$ تکانه‌های مربوط به مخارج سازمان تأمین اجتماعی را نشان می‌دهد که نتایج تخمین مدل در جدول زیر قابل ارائه می‌باشد (جدول ۵).

نتایج حاصل از تخمین مدل SVAR گویای این مطلب است که ضرایب متغیرهای اصلی و تأثیرگذار

^۲ آماره‌ی آزمون اثر (λ_{trace}) را می‌توان در خروجی نرم‌افزار مشاهده کرد.

^۱ Johansen Cointegration Test

۵-۴-۵. تجزیه واریانس

در این قسمت با توجه به الگوی برآورد شده، تجزیه واریانس متغیرهای مدل صورت گرفته است که نتایج آن در جدول ۶ برای مدل قابل مشاهده است. در این جدول ستون S.E خطای پیش‌بینی متغیرهای مربوطه را طی دوره‌های مختلف نشان می‌دهد. از آنجایی که این خطا در هر سال بر اساس خطای سال قبل محاسبه می‌شود و منبع این خطا تغییر در مقادیر جاری و تکانه‌های آتی است، طی زمان افزایش می‌یابد. در این روش سهم شوک‌های وارد شده به متغیرهای مختلف در واریانس خطای پیش‌بینی، سهم نوسانات هر متغیر در واکنش به شوک وارد شده به متغیرهای الگو تقسیم می‌شود. به این ترتیب قادر خواهیم بود سهم هر متغیر را بر تغییرات متغیرهای دیگر در طول زمان اندازه‌گیری کنیم. تجزیه‌های واریانس به گونه‌ای تعریف شده‌اند که در دوره اول (کوتاه‌مدت) معمولاً نوسانات هر متغیر از طریق تکانه‌های مربوط به خود آن متغیر بیشتر توضیح داده می‌شود، اما در افق‌های زمانی دورتر سهم سایر متغیرهای دستگاه در پیش‌بینی رفتار یک متغیر با توجه به اهمیت آن‌ها افزایش می‌یابد. نکته دیگری که باید به آن اشاره نمود این است که هر چه توضیح‌دهندگی (واریانس) متغیرها بیشتر می‌شود متغیرها درون‌زایی بیشتری پیدا می‌کنند (جدول ۶).

ستون یکم، نشان‌دهنده خطای پیش‌بینی (S.E) در دوره‌های مختلف است و منبع آن خطا، تغییر در مقادیر جاری و تکانه‌های آتی است. ستون‌های بعدی درصد واریانس ناشی از تغییر

متغیرهای درون‌زای الگو شامل بدهی دولت، بیکاری، تورم، مخارج سازمان تأمین اجتماعی به صورت نمودار شماره ۵، برای مدل نشان داده شده است. روی محور افقی زمان بصورت دوره‌های سالانه و روی محور عمودی درصد رشد تغییرات متغیر قرار گرفته است (نمودار ۵).

نتایج توابع عکس‌العمل آنی (نمودار شماره ۵) برای مدل نشان می‌دهد: توابع واکنش آنی مخارج کل سازمان تأمین اجتماعی به هنگام بروز یک شوک به اندازه یک انحراف معیار در بدهی دولت (Shock 1) نشان می‌دهد که شوک‌های مربوط به بدهی دولت اثر منفی معناداری بر مخارج کل سازمان تأمین اجتماعی داشته، ولی پس از گذشت ۳ دوره اثر شوک تخلیه شده و میرا می‌شود. توابع واکنش آنی مخارج کل سازمان تأمین اجتماعی به هنگام بروز یک شوک به اندازه یک انحراف معیار در بیکاری (Shock 2) نشان می‌دهد که شوک‌های مربوط به بیکاری اثر منفی معناداری بر مخارج کل سازمان تأمین اجتماعی داشته، ولی پس از گذشت ۲ دوره اثر شوک تخلیه شده و میرا می‌شود. توابع واکنش آنی مخارج کل سازمان تأمین اجتماعی به هنگام بروز یک شوک به اندازه یک انحراف معیار در تورم (Shock 3) نشان می‌دهد که شوک‌های مربوط به تورم اثر مثبت معناداری بر مخارج کل سازمان تأمین اجتماعی داشته، ولی پس از گذشت ۳ دوره اثر شوک تخلیه شده و میرا می‌شود. لذا مشخص است که اثر بلندمدت بر مخارج کل ندارد.

بر عهده دارد. شوک بیکاری نیز کمترین سهم را در تغییرات واریانس مخارج کل داشته است (حدود ۲ درصد). نتایج بیان‌گر این است که اثر شوک بدهی دولت در بین شوک‌های ساختاری بیشترین سهم (بعد از خود مخارج کل) را در توضیح مخارج کل سازمان تأمین اجتماعی دارد که این موضوع دلالت دارد که در سازمان تأمین اجتماعی شوک بدهی دولت ناشی از تبدیل نقش دولت به کارفرما و گسترش تعهدات دولت می‌باشد.

۶. نتیجه‌گیری

امروز تصمیم‌گیری درباره مسأله صندوق‌های بازنشستگی در ایران به یک مسأله پیچیده‌ای تبدیل شده که پاسخ به آن نه ساده بلکه پاسخ پیچیده‌ای دارد که با سایر نهاد به خاطر ماهیت و شکل متفاوت است. بررسی شوک متغیرهای کلان اقتصادی بر تاب‌آوری صندوق بازنشستگی و حقوق اجتماعی از نظر فقه نشان‌دهنده آن است که هر یک از این متغیرها به طور مستقیم بر روی صندوق‌ها و یا به طور همزمان اثرات چندگانه و سو مضاعف بر روی صندوق‌ها و حقوق اجتماعی افراد خواهند داشت. در آن صورت امنیت اجتماعی که یکی از وظایف مهم صندوق‌ها می‌باشد به شدت آسیب دیده و هر گونه آسیب‌دیدگی و اختلال در عملکرد حرفه‌ای آن‌ها تأثیر گذاشته و این امر باعث می‌شود که نظم اجتماعی دچار نوسان گردد. با توجه به یافته‌های پژوهش و حل مسائل صندوق بازنشستگی با توجه به این که اقتصاد ما اقتصاد دولتی است، دولت می‌بایست در دو راهی ارتقاء

ناگهانی یا شوک مشخص را نشان می‌دهند. در دوره اول ۵۴/۱۷ درصد تغییرات مخارج کل از طریق خود متغیر توضیح داده می‌شود و بدهی دولت سهمی معادل ۴۲/۷۱ درصد دارای توضیح‌دهندگی می‌باشد و بیکاری سهمی ناچیز معادل ۰/۰۲ درصد و تورم سهمی معادل ۳/۰۸ درصد دارای توضیح‌دهندگی می‌باشد. اما در دوره‌های بعد، میزان این توضیح‌دهندگی‌ها افزایش می‌یابد، به طوری که در دوره دهم (بلندمدت) سهم مخارج کل ۵۲/۲۳ درصد و سهم بدهی دولت ۴۱/۶۹ درصد و سهم بیکاری به ۲/۴۵ درصد و سهم تورم به ۳/۶۱ درصد می‌رسد. بدهی دولت نیز در دوره دوم و سوم و چهارم حدود ۴۱ درصد از تغییرات مخارج کل را به خود اختصاص می‌دهد و با گذشت زمان سهم بدهی دولت در میان مدت و در دوره دهم (بلندمدت) نیز ۴۱ درصد از تغییرات مخارج کل را به خود اختصاص می‌دهد که این با یافته‌های واکنش - ضربه نیز سازگاری دارد. همچنین بیکاری در دوره دوم ۲/۴۲ درصد از تغییرات مخارج کل را به خود اختصاص می‌دهد و در میان مدت و بلندمدت، توضیح‌دهندگی بیکاری از تغییرات مخارج کل به ۲/۴۵ درصد رسیده است. تورم نیز در دوره دوم ۳/۵۹ درصد از تغییرات مخارج کل را به خود اختصاص می‌دهد و در میان مدت و همچنین بلندمدت، توضیح‌دهندگی تورم از تغییرات مخارج کل به ۳/۶۱ درصد رسیده است. شوک بدهی دولت بیشترین سهم نوسانات و تغییرات مخارج را بر عهده دارد (حدود ۴۱ درصد). رتبه دوم را شوک تورم با سهمی در حدود ۳ درصد

۲. با توجه به چالش‌ها و بحران‌های نسبتاً زیاد و بزرگی که کشور با آن روبرو است و هم ظرفیت‌ها و هم فرصت‌هایی که برای دولت و صندوق‌های بازنشستگی باقیمانده است. «شفافیت» و اعتماد متقابل بین دولت و صندوق‌های بازنشستگی افزایش یابد و در صورت عدم شفافیت از نظر تأمین منابع مالی در افق زمانی نه چندان دور، صندوق‌های بازنشستگی به منابع دولتی وابسته خواهند شد.

۳. از بین متغیرهای اقتصاد کلان متغیر تورم از متغیرهای بسیار مهم و تأثیرگذار می‌باشد که پیشنهاد می‌شود تا مدیران صندوق‌های بازنشستگی همواره وضعیت آن را رصد کرده و اثرگذاری آن را روی بودجه صندوق‌ها مدنظر داشته باشند. از آثار مخرب تورم می‌توان به توزیع مجدد درآمد به نفع صاحبان دارایی و به زیان حقوق بگیران، افزایش ناطمینانی و در نتیجه کوتاه‌تر شدن افق زمانی تصمیم‌گیری و کاهش سرمایه‌گذاری بلندمدت و تخصیص منابع را دچار اختلال می‌کند.

۴. در مورد بیکاری پیشنهاد می‌شود از نفوذ سیاسی در اهداف اقتصادی پرهیز شود و ایجاد صنایع و سرمایه‌گذاری‌ها باید بدون دخالت مستقیم دولت و با شرکت فعالانه بخش خصوصی و زمینه‌سازی و ارشاد دولت همراه باشد. دولت می‌بایست با ایجاد پیوند و تقویت‌سازی آن در بین بنگاه‌های کوچک، متوسط و بزرگ به رفع مشکلات و موانع رشد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط و تبدیل آن‌ها به بنگاه‌های بزرگ و رقابت‌پذیر اقدام نماید.

صندوق‌های بازنشستگی و یا ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی یکی را انتخاب کند که انتخاب هر کدام پیامدهای مثبت و منفی برای تمام طبقات جامعه خواهند داشت. تجربه نشان می‌دهد که تقریباً دولت در بسیاری از خط‌مشی‌های کلان به طور مستقل و بدون جلب نظر شرکای اجتماعی تصمیم‌گیری می‌کند و تصمیم خود را به اجرا درمی‌آورد. جامعه هم در فقدان نهادهای مدنی قوی و تشکیل‌های اجتماعی هرگز مانع جدی برای اجرای سیاست‌ها نبوده است. با فرض این که دولت ورشکستگی صندوق‌ها را انتخاب کند و این صندوق‌ها به مرحله بحران برسد این بحران به دستگاه دولت نیز خواهد رسید و دستگاه دولت دچار بحران خواهد شد و اثرات دو سویه خواهد داشت. باتوجه به همین مباحث و نتایج به دست آمده در بخش چهارم، پیشنهادهای در این خصوص ارائه می‌شود:

۱. زمانی که وابستگی اقتصاد به نفت و تحریم‌ها و ساختار دولتی مشکلات اصلی اقتصاد ایران را شامل می‌شوند که نوسانات درآمدهای نفتی، حجم بالایی از تصمیم‌گیری‌های اقتصاد و تحریم‌ها دولت را مجبور به اتخاذ سیاست‌های مصلحت‌گرایانه پولی می‌نماید، بنابراین اقتصاد ایران نیازمند بازنگری اساس در روش‌های و ساختارهای سیاست‌گذاری دولت در اقتصاد کلان، به ویژه در ساختار و سیاست‌گذاری‌های پولی (مانند دادن پیام‌های مثبت ضدتورمی با اقدامات عملی به منظور کاهش انتظارات تورمی) می‌باشد.

۵. در بدهی دولت به صندوق‌ها پیشنهاد می‌شود که پرداخت بدهی‌های دولت می‌بایست تأکید بر حمایت از «صندوق‌های بازنشستگی» نه خلق نقدینگی برای حمایت از صندوق‌ها باشد. در مورد چنین حمایتی نباید نگران اثرات تورمی آن بود و این حمایت‌ها با شتاب بیشتری صورت گیرد تا وضعیت صندوق‌ها به حالت عادی برگردد. همسوئی در شیوه شناخت، اندازه‌گیری و گزارشگری بدهی‌ها بین دولت و صندوق‌ها ایجاد شود. و به منظور توانمند کردن بازپرداخت بدهی از سوی دولت (کمبود منابع مالی)، تشویق کاهش بدهی‌ها از سوی صندوق‌ها مطرح شود (سیاست تشویقی).

۶. در تاب‌آوری صندوق‌های بازنشستگی (مخارج صندوق‌ها) پیشنهاد می‌شود:

اعمال روش‌های نوین مدیریت هزینه (هزینه‌یابی هدف) و نظارت بیشتر بر مصرف منابع صندوق‌ها از طریق کنترل تناسب نتایج حاصله با منابع مصرف شده.

۷. تقدیر و تشکر

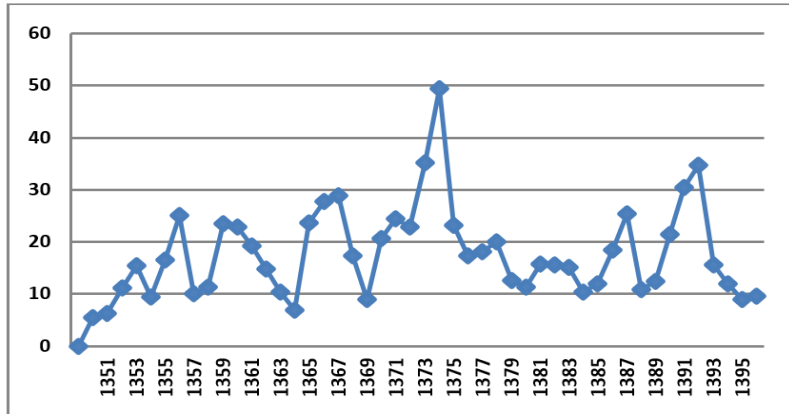
از همه افرادی که در به سامان رسیدن این تحقیق ما را یاری رساندند تشکر می‌کنیم.

۸. سهم نویسندگان

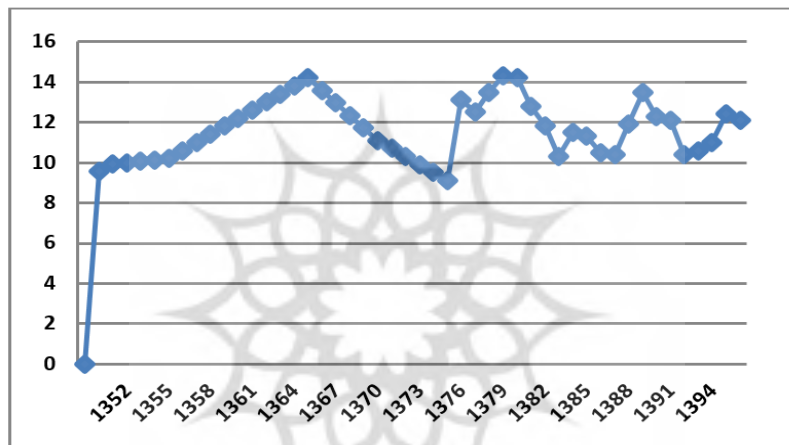
نگارش و تألیف این مقاله به صورت مشترک توسط تمامی نویسندگان صورت گرفته و حاصل کار جمعی آنان است.

۹. تضاد منافع

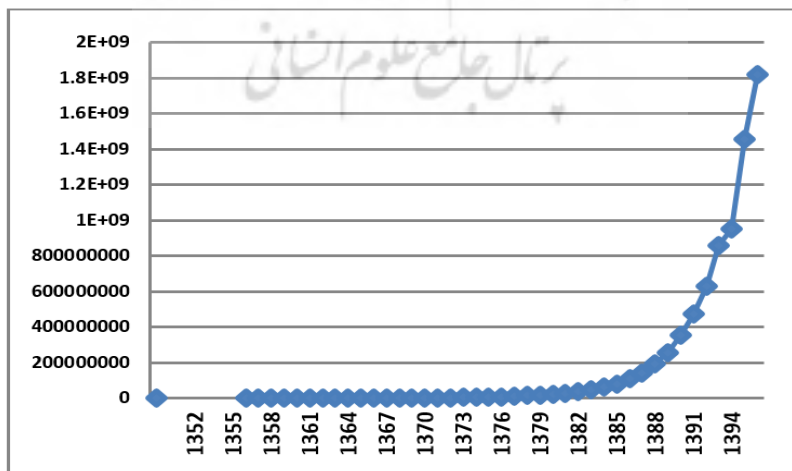
در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.



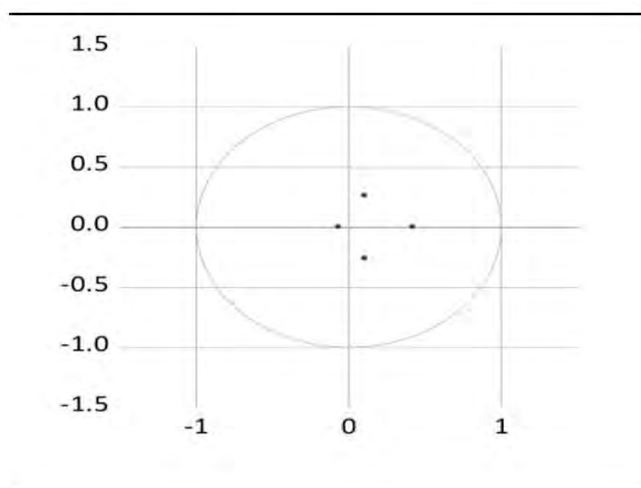
نمودار ۱: نرخ تورم در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۵۰ لغایت ۱۳۹۶



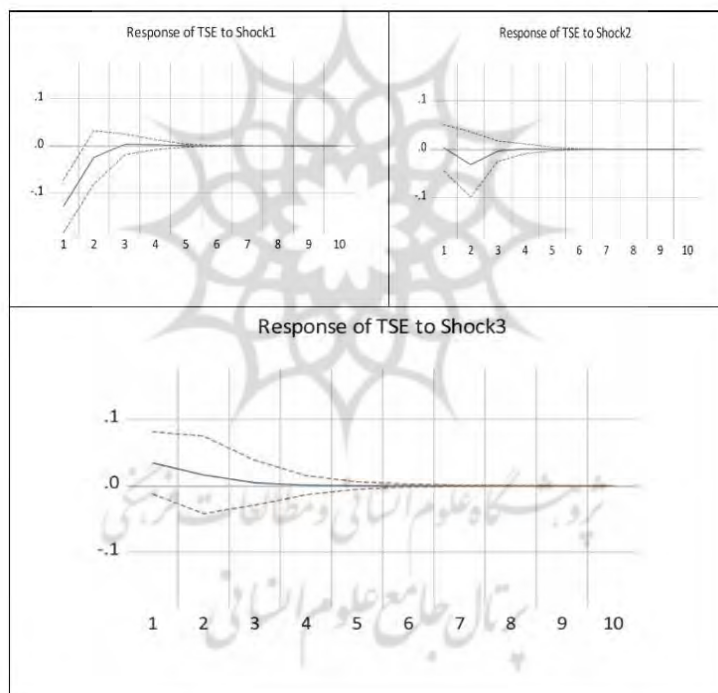
نمودار ۲: نرخ بیکاری در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۵۰ لغایت ۱۳۹۶



نمودار ۳: رفتار بدهی انباشته دولت به سازمان تأمین اجتماعی طی دوره زمانی ۱۳۵۰ لغایت ۱۳۹۶



نمودار ۴: آزمون ریشه واحد دایره



نمودار ۵: نتایج توابع عکس‌العمل آنی برای مدل

جدول ۱: نتایج آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته

متغیر	مقدار آمار t	مقدار بحرانی در سطح معنی دار ۵ درصد	Prob
لگاریتم بدهی دولت	-۷/۵۱۳۳۹۹	-۲/۹۳۸۹۸۷	۰/۰۰۰
لگاریتم بیکاری	-۲/۶۱۵۴۸۶	-۲/۹۲۶۶۲۲	۰/۰۹۷۲
لگاریتم تورم	-۴/۵۶۲۷۶۹	-۳/۵۱۳۰۷۵	۰/۰۰۳۵
لگاریتم مخارج کل سازمان تأمین اجتماعی	-۵/۸۶۱۹۶۲	-۲/۹۲۶۶۲۲	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۲: نتایج آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته برای پایایی تفاضل مرتبه اول متغیر نرخ بیکاری

متغیر	مقدار آمار t	مقدار بحرانی در سطح معنی دار ۵ درصد	Prob
تفاضل مرتبه اول لگاریتمی بیکاری	-۶/۲۸۷۶۵۶	-۲/۹۲۸۱۴۲	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۳: معیارهای تعیین وقفه بهینه مدل VAR

HQ	SC	AIC	FPE ^۲	LR ^۱	Logl	Lag
۷/۹۲۸۶۰۹*	۸/۰۴۱۳۶۵*	۷/۸۶۷۲۱۲	۰/۰۳۰۶۷۷	---	-۱۴۱/۵۴۳۴	۰
۸/۱۲۹۵۸۸	۸/۶۹۳۳۶۹	۷/۸۲۲۶۰۲	۰/۰۲۹۵۳۳	۲۹/۰۳۱۷*	-۱۲۴/۷۱۸۱	۱
۸/۳۱۴۵۶۱	۹/۳۲۹۳۶۶	۷/۷۶۱۹۸۶*	۰/۰۲۸۷۳۳*	۲۵/۹۱۳۴۷	-۱۰۷/۵۹۶۷	۲
۸/۵۷۵۹۷۵	۱۰/۰۴۱۸۰	۷/۷۷۷۸۱۱	۰/۰۳۱۷۸۹	۲۰/۳۷۶۹۵	-۹۱/۸۸۹۵۱	۳

منبع: یافته‌های تحقیق

تذکر: * نشان‌دهنده تعداد وقفه انتخابی توسط معیار است

جدول ۴: آزمون حداکثر مقادیر ویژه (λ_{\max})

Prob	سطح بحرانی ۵٪	آماره آزمون حداکثر مقدار ویژه	مقدار ویژه ^۳	فرضیه‌ی مقابل	فرضیه‌ی صفر
۰/۰۰۲۹	۲۷/۵۸	۳۶/۳۳	۰/۶۱۵	$r = 1$	$r = 0$
۰/۰۱۶۰۶	۲۱/۱۳	۱۷/۲۴	۰/۳۶۴	$r = 2$	$r \leq 1$
۰/۰۲۶۹	۱۴/۲۶	۱۵/۹۴	۰/۳۴۲	$r = 3$	$r \leq 2$
۰/۰۱۶۰	۳/۸۴	۵/۸۱	۰/۱۴۱	$r = 4$	$r \leq 3$

منبع: یافته‌های تحقیق

^۱Like Likelihood Ratio^۲Final Prediction Error^۳Eigenvalue

جدول ۵: برآورد رابطه تعادلی بلندمدت برای مدل تحقیق

Prob	Z-Statistic	Std. Error	Coefficient	
۰/۶۵۷۲	-۰/۴۴۳۷۳۵	۰/۹۰۷۸۱۳	-۰/۴۰۲۸۲۸	C(۱)
۰/۴۸۸۱	۰/۶۹۳۳۱۸	۶/۳۲۹۴۹۱	۴/۳۸۸۳۴۹	C(۲)
۰/۰۰۰۰	۵/۳۴۱۸۶۶	۰/۱۲۳۳۳۴	۰/۶۵۸۸۳۳	C(۳)
۰/۰۴۱۰	۲/۰۴۳۸۰۵	۱/۱۱۳۶۴۵	۲/۲۷۶۰۷۳	C(۴)
۰/۵۶۰۷	-۰/۵۸۱۸۶۲	۰/۰۲۲۶۹۳	-۰/۰۱۳۲۰۴	C(۵)
۰/۱۳۶۳	-۱/۴۸۹۷۵۶	۰/۰۰۳۱۰۱	-۰/۰۰۴۶۲۰	C(۶)
۰/۰۰۰۰	۸/۸۳۱۷۶۰	۰/۰۲۱۳۹۱	۰/۱۸۸۹۱۷	C(۷)
۰/۰۰۰۰	۸/۸۳۱۷۶۰	۰/۱۲۱۲۷۰	۱/۰۷۱۰۲۳	C(۸)
۰/۰۰۰۰	۸/۸۳۱۷۶۰	۰/۸۴۳۳۹۴	۷/۴۴۸۶۵۵	C(۹)
۰/۰۰۰۰	۸/۸۳۱۷۶۲	۰/۰۱۶۳۳۴	۰/۱۴۴۲۵۵	C(۱۰)
			-۱۶۱/۸۴۱۵	Log Likelihood

منبع: یافته‌های تحقیق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

جدول ۶: تجزیه واریانس برای مدل: درصد سهم شوک‌های مختلف در واریانس مخارج کل سازمان تأمین اجتماعی

دوره	S.E	شوک ساختاری بدهی دولت	شوک ساختاری بیکاری	شوک ساختاری تورم	شوک ساختاری مخارج کل سازمان تأمین اجتماعی
۱	۰/۱۸۸۹۱۷	۴۲/۷۱۶۵۶	۰/۰۲۱۵۹۴	۳/۰۸۳۱۴۵	۵۴/۱۷۸۷۰
۲	۰/۲۰۳۰۱۶	۴۱/۹۷۶۵۳	۲/۴۲۸۰۹۱	۳/۵۹۰۷۰۱	۵۲/۰۰۴۶۸
۳	۰/۲۰۴۷۵۳	۴۱/۶۹۶۵۳	۲/۴۵۰۴۶۷	۳/۶۱۵۶۵۳	۵۲/۲۳۷۳۵
۴	۰/۲۰۵۰۴۰	۴۱/۶۹۶۲۳	۲/۴۵۱۶۸۱	۳/۶۱۶۴۷۳	۵۲/۲۳۵۷۰
۵	۰/۲۰۵۰۷۷	۴۱/۶۹۵۸۹	۲/۴۵۱۹۳۱	۳/۶۱۶۵۹۰	۵۲/۲۳۵۶۳
۶	۰/۲۰۵۰۷۹	۴۱/۶۹۵۸۴	۲/۴۵۱۹۳۹	۳/۶۱۶۶۱۹	۵۲/۲۳۵۶۰
۷	۰/۲۰۵۰۸۰	۴۱/۶۹۵۸۳	۲/۴۵۱۹۵۲	۳/۶۱۶۶۲۴	۵۲/۲۳۵۶۰
۸	۰/۲۰۵۰۸۰	۴۱/۶۹۵۸۲	۲/۴۵۱۹۵۳	۳/۶۱۶۶۲۴	۵۲/۲۳۵۶۰
۹	۰/۲۰۵۰۸۰	۴۱/۶۹۵۸۲	۲/۴۵۱۹۵۳	۳/۶۱۶۶۲۴	۵۲/۲۳۵۶۰
۱۰	۰/۲۰۵۰۸۰	۴۱/۶۹۵۸۲	۲/۴۵۱۹۵۳	۳/۶۱۶۶۲۴	۵۲/۲۳۵۶۰

منبع: یافته‌های تحقیق
پژوهش‌های علمی و تحقیقات فرسنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابدی، سعیدرضا، تحلیل کار شایسته در نظام جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری حقوق عمومی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.
- اخوان بهبهانی، علی، مسعودی اصل، ایروان، اصول و مبانی بیمه‌های اجتماعی، تهران، انتشارات مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۹۶.
- جعفری، هدی، «آثار کلان اقتصادی اصلاحات ساختاری در نظام بازنشستگی ایران»، فصلنامه مدلسازی اقتصادی، سال دوازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷.
- عباسی، بیژن، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، چاپ دوم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۵.
- علیپور، محمدصادق، بررسی و تحلیل وضعیت بیکاری در استان‌های کشور، پژوهشکده آمار، ۱۳۹۶.
- گرجی، ابراهیم، اقتصاد کلان دینامیک (بیکاری، تورم، رکود تورمی)، تهران، سمت، ۱۳۹۱.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۷۰.
- هاشمی، سیدم حمد، بررسی مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دانشکده حقوق، ۱۳۸۴.



The effect of macroeconomic variables on the resilience of pension funds and the achievement of social rights in terms of jurisprudence

Hassan Najafi¹, Marjan Daman Keshideh^{2*}, Teymour Mohammadi³

1. Ph. D Student in Economics, Department of Economics, Faculty of Economics and Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor, Department of Economics, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 77-98

Article history:

Received: 18 Jan 2021

Edition: 24 Feb 2021

Accepted: 23 Apr 2021

Published online: 22 Jun 2021

Keywords:

Economic Variables,
Resilience, Pension Fund,
Jurisprudence, Social Rights

Corresponding Author:

Marjan Daman Keshideh

Address:

Department of Economics,
Faculty of Economics and
Accounting, Central Tehran
Branch, Islamic Azad
University, Tehran, Iran.

Orchid Code:

0000-0003-4645-7308

Tel:

09127645021

Email:

m.damankeshideh@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Macroeconomic variables such as unemployment, inflation, government debt have an important role in the resilience or non-resilience of pension funds and the achievement of social rights, which are also considered in economic jurisprudence. In this regard, the present article examines the effect of the shock of macroeconomic variables on the resilience of pension funds and the achievement of social rights in terms of jurisprudence and using the SVAR structural vector auto regression model for the years 1350-1396.

Materials and Methods: The present study is a quantitative research and therefore statistical methods and models have been used. Specifically, the SVAR structural vector auto regression model was used jurisprudentially to look at the mechanism by which government debt shocks, unemployment, and inflation affect pension fund resilience and social rights.

Ethical considerations: The present study was conducted by observing and considering ethical principles. The results of the research are original and in cases such as citations, references to documents and articles, the principle of fidelity has been observed.

Results: Government debt shock with about 41% has the largest share of fluctuations and changes in expenditures and has posed a serious challenge to the resilience of pension funds and the achievement of social rights. The second place is occupied by inflation shock with a share of about 3%. Unemployment shock also had the lowest share of changes in total expenditure variance with about 2%. Therefore, threats of government debt, inflation shock and unemployment play an important role in reducing social security services and thus harming social rights from the perspective of jurisprudence.

Conclusion: Considering the results and structure of Iran's economy, the dependence of government revenue on oil and sanctions and the government structure are the main problems of Iran's economy. Therefore, Iran's economy needs a major overhaul of macroeconomic policy-making methods and structures, especially monetary structures and policies (such as giving positive anti-inflation messages with practical measures to reduce inflation expectations).

Cite this article as:

Najafi H, Daman Keshideh M, Mohammadi T. The effect of macroeconomic variables on the resilience of pension funds and the achievement of social rights in terms of jurisprudence. *Bioethics Journal* 2021; 3(2): 77-98.